

Invention in the mourning ceremonies of Sayyid al-Shuhada Dimensions and consequences

Farzad Poursaeed

Member of the Academic Board of the Institute for Strategic Studies

Received: 2015/09/25

Accepted: 2016/07/09

Abstract

Invention in the ceremony of Sayyid al-Shohada is one of the issues that has become common during the holding of this ceremony in recent decades, and in turn has led to the lack of proper explanation and explanation of the teachings of this movement and the heart of the reality of its goals and philosophy among different segments of the people and society. Considering the goals of the Husseini uprising, preventing intellectual disorders and ideological deviations is considered one of the basic pillars of this uprising, and preserving and practicing in order to institutionalize these goals in the heart of society is considered a religious, religious, and human duty. Therefore, in this article, an attempt has been made, with an analytical perspective and a functionalist approach, to address some of the dimensions and manifestations as well as new consequences that have affected this sacred matter, namely the mourning of Sayyid al-Shohada. Therefore, after finding the cause, the issues that have overshadowed this ceremony in recent decades have been addressed. Among these cases, we can mention the use of meaningless poems and vulgar literature by some of the Ahl al-Bayt's eulogists, the display of vulgar mourning styles and a commercial approach to the rituals of Hussein, the cultivation of disciples in the mourning gatherings for purposes other than enlightening the uprising of Imam Hussein (AS), the carnivalesque and instrumental view of the mourning groups that have provided the reason for the enemies to criticize and critically use these common innovations and have pushed these sacred rituals into an abyss other than the transmission of their goals and teachings. Reviewing, preventing and preventing the continuation and institutionalization of these destructive innovations that disrupt the spiritual spirit that governs the days of Ashura of Hussein are among the necessities, as any kind of lack of attention and neglect of them is the source of threats and miseducation that can be the source of irreparable consequences.

Keywords: heresy, ideological deviations, vulgar styles of mourning, Ashura uprising, weakening of religion

بدعت‌گذاری در مراسم عزاداری سیدالشهدا؛

ابعاد و پیامدها

فرزاد پورسعید

عضوهیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۱۷

چکیده

بدعت‌گذاری در مراسم سیدالشهداء از جمله مسائلی است که در جریان برگزاری این مراسم، طی دهه‌های اخیر رایج شده و به نوبه خود سبب عدم تبیین و تشریح صحیح آموزه‌های این نهضت و قلب واقعیت اهداف و فلسفه آن در میان اقشار مختلف مردم و جامعه شده است. با توجه به اهداف قیام حسینی، جلوگیری از نابسامانی‌های فکری و انحرافات عقیدتی، از جمله ارکان اساسی این قیام محسوب شده و حفظ و ممارست در جهت نهادینه شدن این اهداف در بطن جامعه از وظایف شرعی، دینی و انسانی به شمار می‌رود. لذا در این مقاله تلاش شده است با نگاه تحلیلی و رویکردی کارکردگرایانه، پس از تعریف بدعت به برخی از ابعاد و مظاهر و همچنین پیامدهای نوینی بپردازد که متوجه این امر مقدس یعنی عزاداری سیدالشهداء شده است، لذا پس از علت‌یابی، به موضوعاتی که در دهه‌های اخیر این مراسم را تحت الشعاع خود قرار داده، پرداخته شده است. از جمله این موارد به استفاده از اشعار بی‌محتوا و ادبیات سخیف توسط برخی از مداحان اهل بیت، به نمایش گذاشتن سبک‌های مبتذل عزاداری و برخورد کاسبکارانه با شعائر حسینی، مریدپروری در مجالس نوحه‌خوانی به اهدافی جز روشنگری قیام امام حسین(ع)، نگاه کارناوالی و ابزارری به دستجات عزاداری که موجبات خرده‌گیری و استفاده انتقادی دشمنان از این بدعت‌های رایج شده را فراهم کرده و این آیین‌های مقدس را به ورطه‌ای غیر از انتقال اهداف و آموزه‌های آن سوق داده است، می‌توان اشاره نمود. بازنگری، ممانعت و پیشگیری از تداوم و نهادینگی این بدعت‌های تخریب‌کننده که منحل روح معنوی حاکم بر ایام عاشورای حسینی است از ضرورت‌هایی است که هر نوع کم‌توجهی و غفلت از آن مبدأ تهدیدپذیری‌ها و بدآموزی‌هایی است که می‌تواند منشأ پیامدهای غیرقابل جبران باشد.

واژگان کلیدی: بدعت‌گذاری، انحرافات عقیدتی، سبک‌های مبتذل عزاداری، قیام عاشورا، تضعیف مذهب

«ما باید حافظ این سنت‌های اسلامی باشیم، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر، در مواقع مقتضی به راه می‌افتند؛ تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند... زنده نگه‌داشتن عاشورا با همان وضع سنتی خودش از طرف روحانیون، از طرف خطبا، با همان وضع سابق و از طرف توده‌های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم، دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می‌افتاد. باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت‌ها را حفظ کنید.» (امام خمینی^(ره))

مقدمه

عزاداری در شهادت معصومین، به ویژه حضرت سید الشهداء علیه السلام، یکی از سنت‌ها و مراسم مهم شیعیان است که به عنوان شاخصه مهم مکتب تشیع، از صدر اسلام توسط اهل بیت علیهم السلام و عاشقان و رهروان آنان حفظ و برقرار گردیده است. در اسلام، نخستین بار پس از جنگ احد و شهادت حضرت حمزه، خواهر گرامی وی به نام صفیه بر پیکر برادر به ناله و شیون پرداخت و بعد از آن پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه برای حمزه و شهدای احد اقامه عزا فرمود. عزاداری برای مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام و شهدای کربلا نیز در روز اربعین و توسط حضرت زینب علیها السلام و کاروان اسرا برگزار گردید. پس از آن هر یک از ائمه علیهم السلام به مناسبت و با توجه به شرایط، اقدام به اقامه عزا برای سالار شهیدان علیه السلام می‌کردند. بنابراین، عزاداری سنتی همان مراسمی بود که صدها سال توسط شیعیان در سراسر عالم برای آن حضرت برگزار می‌شد و شامل سیاه‌پوشی مساجد و حسینیه‌ها و تکایا، اجتماع شیعیان، سخنرانی و عاظ دینی، مرثیه‌خوانی ذاکرین و سینه‌زنی و اطعام بود. در عین حال، طبیعی است پس از گذشت قرن‌ها از این وقایع تاریخی و سرنوشت‌ساز و جبهه‌گیری شدید دشمنان و طاغوتیان زمان، این حقایق تاریخی، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه توسط دشمنان و یا متأسفانه دوستان جاهل، دستخوش تحریف و بدعت گردد. همچنانکه، در سده اخیر تا به امروز، برنامه‌ها و رویه‌هایی به این مراسم افزوده شده که برخی از آنها متأسفانه به تدریج صدماتی به محتوا و ساختار سنتی عزاداری

وارد کرده و بیم آن می‌رود که با تداوم این روند، ماهیت و واقعیت قیام عاشورا و فرهنگ ظلم‌ستیز آن و همچنین، معارف انسان‌ساز آن به کلی قلب شده و به تدریج فراموش شود؛ هرچند که ان‌شاءالله در هر عصری و نسلی احیاگرانی خواهند بود که مانع از این آسیب شوند. اهمیت پرداختن به این موضوع از آن روست که اساساً یکی از اهداف مهم انبیاء و اولیای الهی و از جمله امام حسین (ع)، مبارزه با تحریف‌ها و خرافه‌ها و آداب و رسوم منشأیافته از جهل و نادانی و ظلم حاکمان جور بوده است.

حضرت سید الشهداء علیه السلام در مواضع مختلف، در بیان اهداف حرکت خویش اشاراتی به وضع موجود جامعه داشته و از نابسامانی‌های فکری و انحرافات عقیدتی و عدم تشخیص صحیح حق و باطل و گمراهی اهل زمانه و فتنه‌گران و دورویی منافقان خبر داده است. از این رو، اساس و محور حرکت خود را احیای سنت و سیره پدر و جد بزرگوارش علیه السلام قرار داده و برای امر به معروف و نهی از منکر بزرگترین هجرت و جهاد دنیا را انجام دادند؛ هجرتی که بتواند مبدأ نوعی تاریخ فکری باشد و دو جریان ماندگار تاریخ بشریت، یعنی جریان حق و باطل را به نمایش بگذارد و شاخص‌های دقیق شناخت حق را از باطل که به نحو بی‌سابقه‌ای از سوی مخالفان و دغل‌بازان برای بسیاری از مردم شبهه‌ناک شده بود، روشن نماید. امام حسین علیه السلام در راستای احیای اسلام ناب و میراندن اسلام ساختگی و بدعت‌آمیز بنی امیه قیام کرد. استاد شهید مطهری در کتاب «حماسه حسینی» این عامل را مهم‌ترین عامل قیام حسینی برمی‌شمارند و معتقدند این عامل ارزش نهضت ابا عبدالله (ع) را دهها برابر بالا می‌برد. به عبارت دیگر، اگر مردم کوفه از امام دعوت نمی‌کردند و یا حتی یزید درصدد آن نبود که از امام بیعت بگیرد، چنین نبود که ایشان ساکت بنشینند و دست از قیام و مبارزه بر ضد دستگاه ظلم و جور یزیدی و بدعت‌های خطرناک آن بردارند. از دیدگاه استاد شهید، شیوع بدعت‌ها و منکرات و به تعبیر خود امام «حلال‌شدن حرام‌ها و حرام‌شدن حلال‌ها» و بالاخره مشاهده وضع نابسامان و فاسد اجتماع، حضرت را در برابر دشمن قرار داد و ادار به قیام کرد و عامل عمده‌ای که به نهضت کربلا این شایستگی را داده که برای همیشه در پیشانی تاریخ بدرخشد و درسی جاویدان در این دنیا باشد، همین جهت‌گیری است. در این چارچوب، نوشتار حاضر می‌کوشد با رویکردی کارکردگرایانه، پس از تعریف بدعت، به برخی از ابعاد و مظاهر و همچنین، پیامدهای بدعت‌های نوینی پردازد که متوجه این امر مقدس یعنی عزاداری سید الشهداء (ع) شده است.

بدعت‌های نوین؛ ابعاد و مظاهر

بدعت در لغت به معنای کار نو و بی سابقه است و در اصطلاح به معنای «ادخال ما لیس من الدین فی الدین» است؛ یعنی نسبت دادن چیزی به دین در حالی که در واقع جزء دین و شریعت نیست. منظور از امر تازه و بی سابقه در دین این است که با هیچ یک از قوانین و مقررات جزئی و کلی اسلام هماهنگی و سازگاری نداشته باشد و نتوان مقررات کلی اسلام را بر مصادیق جدید و تازه تطبیق کرد. اساس بدعت در شرع به این نکته باز می‌گردد که چیزی را به عنوان امر شرعی که دین به آن فرمان داده به کار برند، در حالی که برای مشروعیت آن، اصل یا ضابطه‌ای در شرع وجود نداشته باشد. هیچ کدام از مذاهب اسلامی در حرمت شدید بدعت تردید نکرده‌اند. دلیل عمده حرمت، روایات متواتری است که شیعه و اهل سنت از پیامبر خدا (ص) نقل کرده‌اند که فرموده‌اند: «ایجاد هر امری که سابقه در دین نداشته بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است/ کل محدثه بدعه و کل بدعه ضلاله و کل ضلاله فی النار/ بحار الانوار ۲/۲۶۳». بر این اساس، می‌توان گفت بسیاری از اعمال و گفتاری که امروزه در مراسم و مناسک عزاداری حضرت سید الشهدا (ع) رواج یافته و متأسفانه هر سال چهره جدیدی نیز به خود می‌گیرد را می‌توان از مصادیق نوعی بدعت دانست که گرچه ممکن است حرام نباشد و یا بعضی علما آنها را حرام ندانند، ولی بی تردید می‌تواند اسباب و بستر وهن و تضعیف مذهب حقه تشیع را در نزد اغیار فراهم کند. در واقع، در سال‌های اخیر، به تدریج عزاداری و سوگواری و خطابه‌ها و روضه‌ها در برخی محافل و مجالس در جوامع شیعی در ماه‌های محرم و صفر به برخی شیوه‌ها و سبک‌ها یا گفتارهایی ملوک شده که نه تنها با حقیقت و آرمان قیام امام حسین (ع) فاصله دارد، بلکه در اساس با آن متضاد است و به مثابه حجابی در برابر شناخت حقیقی این حماسه عمل می‌کند. ابعاد و مظاهر این بدعت‌ها را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

یک. استفاده از اشعار بی محتوا و الفاظ و ادبیات سخیف:

یکی از خصوصیات و لوازم مداح شدن در گذشته آشنایی با ادبیات، شناخت شعر و تسلط بر نحوه اجرای اشعار مختلف بوده است. امروزه اما بعضی مداحان جوان این نیاز را در خود احساس نمی‌کنند و با پیاده کردن برخی اشعار و غزل‌های عاشقانه از روی نوار و لوح فشرده بر کاغذ و دوباره خوانی آنها، به جذب مخاطبین جوان و با احساسات جوانی و نوجوانی می‌پردازند. امروزه در

هیئت‌ها، بسیاری از چیزهایی که به عنوان شعر، مخصوصاً در قالب نوحه و شور خوانده می‌شود، حتی فاقد وزن و ردیف و قافیه صحیح است. نکته مهم در این خصوص، رواج ادبیات عرفانی و غنایی ایران در هیئت‌های مذهبی، طی سال‌های اخیر است که هیچ تناسبی با فرهنگ عاشورا ندارد و فقط برای خوش آمد و جذب مخاطب صورت می‌گیرد. برای مثال، در برخی موارد حتی از بعد ملکوتی و مناقب معنوی امام حسین (ع) و یارانش چشم‌پوشی می‌شود و در عوض به توصیف چشم و ابروی آنها پرداخته می‌شود که نوعی تصویرپردازی سطحی و عوامانه و در واقع، منحرف از عاشورا است. یکی از توصیه‌های مهم رهبر معظم انقلاب به مداحان، اهمیت دادن به شعر و نخواندن اشعار سبک و ضعیف در مجالس است، حتی اگر آن شعر ضعیف با اخلاص و حالی خوش سروده شده باشد. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «چیز دیگری که بنده در بعضی از خوانندگان جلسات مداحی اطلاع پیدا کردم، استفاده از مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معناست که گاهی هم مضر است. فرض کنید راجع به حضرت ابوالفضل (ع) صحبت می‌شود. بنا کنند از چشم و ابروی آن بزرگوار تعریف کردن مثلاً قربون چشمت بشم. مگر چشم قشنگ در دنیا کم است؟ مگر ارزش ابوالفضل (ع) به چشم‌هایش بوده! اصلاً شما مگر ابوالفضل را دیده‌اید و می‌دانید چشمش چگونه بوده؟ اینها سطح معارف دینی ما را پایین می‌آورد. معارف شیعه در اوج اعتلاست.»

از سوی دیگر، اخیراً رویه‌ای به عنوان ارزش در بین مداحان جا افتاده به این صورت که مداح باید داش مشدی‌گری و لوطی‌گری را در حد اعلائی آن به نمایش بگذارد. از مشخصات و اقتضائات این ادبیات، استفاده از الفاظ سخیفی است که به هیچ وجه در شأن زبانی نیست که به ذکر ائمه معصومین علیهم السلام می‌پردازد. حتی ضمخت کردن صدا نیز به تبعیت از همین فرهنگ و گویش کوچه بازاری است که در بین بسیاری از مداحان نوجوان و جوان باب شده و حال آنکه این ادبیات هیچ گاه در بین بزرگان دینی ما و علمای سلف، سابقه و رواج نداشته و توصیه آنها همواره به ادب و وقار و طمأنینه بوده است. در این خصوص از رهبر معظم انقلاب استفتا شده است که «برخی از ذاکرین در مدایح اهل بیت (ع) تعبیراتی مانند (مست مستم من، هر چه باداباد، علی پرستم من، همچون زهرا مادرت، از همه خوشگلتر، یا ابصالح (ع) بیا) را به کار می‌برند که به نظر می‌رسد با شأن اهل بیت (ع) منافات دارد. به کار بردن این گونه الفاظ چه صورت دارد؟»، ایشان در پاسخ فرموده‌اند: «معلوم نیست ظاهر این الفاظ مرادشان باشد و در هر صورت الفاظ خوب و اشعار بهتر فراوان است. آنها را بخوانند.» علاوه بر این، در عزاداری‌های چند سال اخیر، بعضی از مداحان در

مدح ائمه از تعبیری همچون «حسین اللهی» و «زینب اللهی» و «لا اله الا فاطمه» استفاده کرده‌اند که تعبیری شرک‌آلود و انحرافی و نوعی خرافه و غلو است. این در صورتی است که قرآن کریم به صراحت از غلو نهی می‌کند و امامان معصوم(ع) نیز شدیدترین برخورد را با غلات داشته و از آنان بیزاری جسته‌اند. خرافه و غلو در عزاداری‌ها باعث خدشه به تصویر حقیقی امامان معصوم و معرفی نادرست و تحریف‌شده شیعه که پیوسته دین خرد و منطقی بوده است، نزد افکار عمومی جهانیان در بعد رسانه‌ای با الگوهای تحریف‌شده و کاملاً انحرافی معرفی می‌شود. علما و مراجع معظم نیز با این شکل عزاداری‌ها مخالف بوده و در فتواها و استفتائات، این تعبیر غلوآمیز و شرک‌آلود را نهی کرده‌اند.

از همه اینها فاجعه‌بارتر و وهن‌آمیزتر، استفاده از تعبیر سخیف و تحقیرآمیز درباره مؤمنین و شیعیان و عزاداران امام حسین (ع) است. حسن رحیم‌پور ازغدی در سخنانی، به مثال‌هایی از این مورد اشاره کرده است: «قلاده می‌بندند به گردنشان و صدای سگ درمی‌آورند و در کنار اسم ابا عبدالله، پارس می‌کنند. همین امسال عاشورا، در مشهد ما این کار شد. قلاده بستند و آن مداحی که بالا ایستاده بود گفت: «کنم عو عو، دهم دست ولایت»، ... جمعیت یکمترتبه همه با هم صدای سگ! به مدت دو دقیقه... بعد می‌گویند، «یک تکه استخوان امشب بس است ما را آقا!»... هیئت راه انداخته‌اند، همه لخت، بعد شروع می‌کنند ادای مست‌ها را در می‌آورند و تلو تلو می‌خورند، فیلم‌اش هست، بروید ببینید، طفلک بچه‌های ناآگاه شیعه‌اند که خیال می‌کنند این کارها باعث تقرب به ابا عبدالله است. تلو تلو می‌خورند و ادای مست‌ها را در می‌آورند، بعد مداحشان داد می‌زند که «ما گر ز سر بریده می‌ترسیدیم، در محفل عشاق نمی‌رقصیدیم»، نامرد! محفل عشاق اینجا نیست، محفل عشاق زیر بمباران شیمیایی در شرق دجله بود، آنجا باید می‌آمدی حسین حسین می‌گفتی و می‌رقصیدی، ما آنجا رقص بچه‌ها را زیر باران آتش و خون دیدیم، تو رقصی؟!، می‌گویند «رقاصم و رقصم، رقصه عباسم»، عباسی که دستش قطع می‌شود، می‌گویند «والله ان قطعتموا یمینی، انی احامی ابدأ عن دینی»، شما پیرو مکتب ابن عباس هستید؟ شماها اصلاً به مکتب کاری ندارید..»

دو. بهره‌گیری از سبک‌های مبتذل عزاداری:

یکی از مشکلات جدی مداحی‌های جدید رواج بی حد و حصر آهنگ‌ها و سبک‌هایی است که هیچ هماهنگی و قرابت و نسبتی با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و مجالس آنها ندارند تا جایی که متأسفانه بعضی از آهنگ‌های مورد استفاده مداحان کپی برابر با اصل موسیقی‌هایی است که شنیدن آنها حرام قطعی است. استفاده از این آهنگ‌ها، فارغ از اینکه دون شأن اولیای خدا و مجالس آنان است، وقتی برای مخاطبی خوانده شود که قبلاً ولو یک بار این آهنگ را شنیده باشد، تداعی ذهنی نامطلوبی خواهد داشت. این در حالی است که اسلام منع کرده که مؤمنین قرآن را با لحن اهل فسق بخوانند و به طریق اولی و قطعی، اجازه نمی‌دهد از آهنگ‌های حرام در عزاداری‌ها استفاده شود. بر این اساس، می‌توان گفت استفاده از اشعار و موسیقی‌ای که در شأن عزاداری حسینی نیست، نوعی بدعت به حساب آمده و گاهی ممکن است خلاف شرع باشد و از این رو، باید از ریتم موسیقی‌های حرام و با ادبیات غنایی اجتناب کرد. مقام معظم رهبری نیز مداحان را از به‌کارگیری آهنگ‌های نامناسب، سبک و تقلیدی از خوانندگان مبتذل پرهیز می‌دهند و در این خصوص می‌فرمایند: «من شنیده‌ام در مواردی از آهنگ‌های نامناسب استفاده می‌شود. مثلاً فلان خواننده طاغوتی یا غیر طاغوتی شعر عشقی چرندی را با آهنگی خوانده، حالا ما بیاییم در مجلس امام حسین (ع) و برای عشاق امام حسین (ع) آیات والای معرفت را در این آهنگ بریزیم و بنا کنیم آن را خواندن، این خیلی بد است. خودتان آهنگ بسازید. این همه ذوق و این همه هنر وجود دارد. یقیناً در جمع علاقه‌مندان به این جریان کسانی هستند که می‌توانند آهنگ‌های خوب مخصوص مداحی بسازند. آهنگ عزا، آهنگ شادی».

سه. برخورد کاسبکارانه با شعائر حسینی:

یکی دیگر از آسیب‌ها و بدعت‌های عزاداری‌ها در جامعه کنونی ایران، برخورد کاسبکارانه با این مقوله است که به صورت نوعی بیماری عمومی درآمده و از فرط گسترش آن، دیگر حساسیتی برنمی‌انگیزد. این در حالی است که این امر از مصادیق بارز استکمال به اهل بیت علیهم السلام است که در روایات مورد نکوهش قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند:

«من اراد الحديث لمنفعه الدنيا لم يكن له في الاخره نصيب و من اراد به الاخره اعطاه الله خير الدنيا و الاخره/ آن کس که حدیث را برای منفعت دنیا بخواهد، در آخرت بهره‌ای ندارد و آن کس که حدیث را برای خدا و آخرت بخواهد، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا خواهد کرد» (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶). به بیان دیگر، این جماعت، مرثیه سید الشهداء (ع) را به مثابه نوعی کالا برای فروش می‌گذارند و همگان می‌دانند که فرآیند کالایی‌شدن امور، به منزله تهی‌شدن آنها از معنا و حقیقت الهی و انسانی است. البته، این مربوط به آنان است که برخورد کاسبکارانه با معارف، مداخل و مرثی اهل بیت علیهم السلام دارند و همانند کالا با آن برخورد می‌کنند. بنابراین، حساب آنان که تنها برای خدا در عرصه نشر معارف و گسترش فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام تلاش می‌کنند و مردم از سر عشق به خاندان عصمت و طهارت به آنها هدیه می‌دهند، طبق تصریح روایات معصومین علیهم السلام از اینان جداست و مورد نکوهش نیستند.

چهار. مریدپروری و مریدبازی در مجلس نوحه‌خوانی:

یکی از بدعت‌هایی که در چند سال اخیر میان مداحان باب شده، برخورداری آنان از دار و دسته و نوجه‌های حرفه‌ای است که مانند «لیدرهای مسابقات فوتبال در میان تماشاچیان»، آنها نیز به میان جمعیت عزادار می‌روند و در مقام گریه‌کن حرفه‌ای و مجلس گرم‌کن، وظیفه به گریه لنداختن جمع را بر عهده دارند. شاید دلیل رواج آفت مذکور این باشد که مداحان جدید، به دلیل نداشتن هنر مجلس‌گردانی و ارتباط با هر نوع مخاطب و در عین حال، عدم آگاهی واقعی و شناخت قلبی از ماهیت قیام عاشورا و حقایق عظیم آن، فقط در شرایطی خاص و با حضور عده‌ای خاص می‌توانند خوب بخوانند و گرمی مجلس آنها وابسته به همین اشخاص و شنوندگان حرفه‌ای است؛ گریه‌کن حرفه‌ای، سینه‌زن حرفه‌ای و... حرفه‌ای شدن و کالایی شدن نگاه به مراسم و آیین عزاداری چنین اقداماتی را تسهیل و مداحان حرفه‌ای از این طریق موجودیت خود را حفظ و موجب افزایش تبلیغ برای پلیداری خود می‌گردند. این در حالی است که مجالس از روح معنوی و الهی تهی شده و بخش عظیمی از شرکت‌کنندگان از معارف الهی بی‌بهره مانده و مجالس را ترک می‌گویند.

پنج. رویکرد کارناوالی به دستجات عزاداری:

در سال‌های اخیر، اشکال جدیدی از دستجات عزاداری و سینه‌زنی دیده می‌شود که ترکیبی از فرهنگ‌های مختلف با محتوایی کم و بیش دینی و سبک‌های اقتباس‌شده از بیگانگان است. برای مثال، استفاده‌کردن از آلات و ابزار موسیقی مانند طبل، فلوت، شیپور، ارگ و... در این دستجات رواج یافته که به هیچ وجه زیننده مجالس امام حسین (علیه السلام) نیست و شأن، وقار و متانت این مجالس را تنزل می‌دهد. استفاده از این آلات در مقابل دیدگاه غرض‌آلود مخالفان که به دنبال خرده‌گیری و تخریب مذهب تشیع هستند، بهترین خدمت به دشمن به شمار می‌رود. در این خصوص، در استفتایی از حضرت آیت الله خامنه‌ای پرسیده شده که «استفاده از آلات موسیقی مانند ارگ در مراسم عزاداری چه صورتی دارد؟». ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «استفاده از آلات موسیقی مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بود، برگزار شود.» همچنین، بروز و ظهور پدیده‌های نو در روش عزاداری مثل کوتاه‌کردن مو با نام حسین (ع)، انواع نوحه‌ها با موسیقی ریتمیک و حتی بر پایه موزیک‌های خوانندگان لس‌آنجلسی یا در جدیدترین سبک، سینه‌زنی نوینی که شبیه باله است، بخشی از آسیب‌های محتوایی در برنامه‌های ماه محرم و دستجات عزاداری هستند. انواع و اقسام مدل‌های سینه‌زنی پاپ، راک و... که این روزها مد شده و به کلی خالی از روح و باطن هستند، در این زمره جای دارند. با افزایش گرایش‌ها به سمت فضاهای کارناوالی در محیط‌های عمومی، حال و هوای کلان‌شهرهای ایران در ماه محرم هم بیش از سایر روزهای سال به این فضا شبیه می‌شود. ظاهر و پوشش عزاداران و گرایش به سمت هیئت‌های عزاداری و افول عزادارای‌های سنتی موجب شده تا برخی از «فشن» ویژه محرم سخن بگویند و نسبت به غلبه «فرهنگ حسین پارتی» به جای عزاداری مذهبی هشدار دهند.

استفاده از شمایل و تمثیل معصومین (علیهم السلام) در مکان‌های مذهبی و عزاداری‌ها نیز در همین چارچوب می‌گنجد و از همین روست که برخی علمای اسلام (بر خلاف مسیحیت) با مجسمه‌سازی و مجسمه‌تراشی مخالفت می‌کنند. بدعت‌گران با ترویج خرافه و غلو و افراط‌گرایی و ایجاد اجتماعات صرفاً صوری و تهیه و تکثیر محصولات تبلیغاتی و چشم‌ربا از قبیل تمثیل و شمایل منسوب به اهل بیت علیهم السلام حرکت‌های عظیم ارادتمندان به ایشان را از جایگاه معرفتی خویش تنزل داده و به سمت و سوی بی‌محتوا سوق می‌دهند.

پیامدها و آثار کارکردی

مهم‌ترین پیامدها و آثار کارکردی این خرافه‌ها و بدعت‌ها در جامعه ایرانی را می‌توان در سه مورد مشخص خلاصه کرد. پیامد نخست، وهن و تضعیف مذهب تشیع از سوی دشمنان اسلام و تکفیریون است. وهن در لغت به معنای تضعیف و سست‌نمودن کسی یا چیزی است و منظور از آن در اینجا این است که اگر دیگران این اعمال را در عزاداری امام حسین (ع) ببینند، مذهب شیعه را متهم به خشونت، توحش و خرافه‌گری می‌کنند که در نتیجه، منجر به تضعیف و وهن تشیع می‌گردد. برای مثال، تا کنون در شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های ضد شیعی در جهان، با استناد به صحنه‌های قمه‌زنی که در برخی دیگر از کشورها نظیر پاکستان و عراق نیز معمول است، تولیدات زیادی علیه شیعیان تهیه کرده‌اند که در آنها چهره‌ای خشن و زشت از مذهب تشیع معرفی شده است. نظیر فیلم «شمشیر اسلام» که توسط شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی تهیه شده یا فیلم «ترور شیعی» که از تلویزیون آمریکا پخش شد و در آن شیعیان به گونه‌ای معرفی شدند که گویی به چیزی جز قتل و خون‌ریزی فکر نمی‌کنند و در پایان نیز صحنه‌های از قمه‌زنی در روز عاشورا پخش گردید. از سوی دیگر، تحرکات و اعمال خرافی و منافی اهداف و مقاصد فرهنگ عاشورا و حماسه حسینی، دستاویز وهابی‌ها و تکفیری‌ها هستند تا از این رویدادها یا صحنه‌های نامعقول و خرافی یا وحدت‌ستیز در این مراسم بهره‌برداری کرده و از آن در راستای تعمیق شیعه‌هراسی و شیعه‌ستیزی در سطح جهان اسلام و بلکه در سطح افکار عمومی جهانی استفاده کنند و شیعیان را آماج تروریسم تکفیری قرار دهند. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای با ذکر مثالی در این خصوص می‌فرمایند: «اخیراً یک بدعت عجیب و غریب و نامأنوس دیگر هم در باب زیارت درست کرده‌اند! بدین ترتیب که وقتی می‌خواهند قبور مطهر ائمه علیهم السلام را زیارت کنند، از درِ صحن که وارد می‌شوند، روی زمین می‌خوابند و سینه‌خیز خود را به حرم می‌رسانند! شما می‌دانید که قبر مطهر پیغمبر صلوات الله علیه و قبور مطهر امام حسین، امام صادق، موسی بن جعفر، امام رضا و بقیه ائمه علیهم السلام را همه مردم، ایضاً علما و فقهای بزرگ، در مدینه و عراق و ایران، زیارت می‌کردند. آیا هرگز شنیده‌اید که یک نفر از ائمه علیهم السلام و یا علما، وقتی می‌خواستند زیارت کنند، خود را از درِ صحن، به طور سینه‌خیز به حرم برسانند؟! اگر این کار، مستحسن و مستحب بود و مقبول و

خوب می‌نمود، بزرگان ما به انجامش مبادرت می‌کردند. اما نکردند. حتی نقل شد که مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی رضوان الله تعالی علیه، آن عالم بزرگ و مجتهد قوی و عمیق و روشنفکر، عتبه‌بوسی را با اینکه شاید مستحب باشد، منع می‌کرد. احتمالاً استحباب بوسیدن عتبه، در روایت وارد شده است. در کتب دعا که هست. به ذهنم این است که برای عتبه‌بوسی، روایت هم وجود دارد. با اینکه این کار مستحب است، ایشان می‌گفتند «انجامش ندهید، تا مبادا دشمنان خیال کنند سجده می‌کنیم؛ و علیه شیعه، تشنیهی درست نکنند.» اما امروز، وقتی عده‌ای وارد صحن مطهر علی بن موسی الرضا علیه الصلاه و السلام می‌شوند، خود را به زمین می‌اندازند و دویست متر راه را به طور سینه‌خیز می‌پیمایند تا خود را به حرم برسانند! آیا این کار درستی است؟ نه؛ این کار، غلط است. اصلاً اهانت به دین و زیارت است. چه کسی چنین بدعت‌هایی را بین مردم رواج می‌دهد؟ نکند این هم کار دشمن باشد؟! اینها را به مردم بگویید و ذهن‌ها را روشن کنید.^۱

در مثالی دیگر، حسن رحیم‌پور ازغدی نیز به همین پیامد سوء اشاره می‌کند: «... می‌گوید بگذار مسخره‌مان کنند، ما سگ خانگی شاهیم، بعد داد می‌زند: «خرابم و مستم، مست و خرابم، من سگ خانگی بی‌بی ربابم»، بعد دوباره صدای سگ ...، بعد می‌گوید «والله صد قدح بشکست، حضرت شراب، حسین!!!»، به سید الشهداء می‌گوید حضرت شراب!!! این محبت و عزای اهل بیت است؟! البته اینها کمتر از ده درصد هیئت‌ها هستند، اما فیلم اینها را وهابی‌ها برداشته‌اند و در شبکه‌هایشان پخش کرده‌اند که سی‌دی‌اش را برای من آورده بودند. مرتیکه وهابی بعد از پخش فیلم می‌گوید، خب! شما بینندگان بگویید که آیا حسین عاقل‌تر بود، یا یزید؟!!!».

پیامد دوم، تخلیه انرژی شوریدگان حسینی به جای تغذیه معنوی و معرفتی آنان است. در واقع، اکتفاکردن به اشک و آه و برانگیختن احساسات، بدون تقویت اندیشه، تعقل و معرفت باعث سست شدن پایه‌های عزاداری خواهد شد. رواج نوحه‌محوری و شورمحوری و کم‌رنگ شدن روضه‌خوانی و تشریح معارف الهی یکی از دلایل بروز این آسیب است. البته، این شور و عشق‌ها و سینه‌زنی‌ها در نهایت به تقویت دین می‌انجامد، اما اگر این شورها با شعور و معرفت گره نخورد، ماندگار نخواهد بود و ناقض اهداف قیام عاشورا و سید الشهداء خواهد بود. این در حالی است که این مجالس از فرصت‌های مناسب برای توجه‌دادن مردم به آموزه‌ها و معارف دینی و زنده نگه‌داشتن

۱. رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از روحانیون کهگیلویه و بویراحمد در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۷۳

حقایق و معارف حماسه حسینی است. اهل بیت علیهم السلام می‌پسندیدند که مجالسی که به نام آنها شکل می‌گیرد، محتوایی و معرفت‌افزا باشد. در روایت است که امام صادق (علیه السلام) به فضیل فرمود: «أتجلسون و تحدثون؟» آیا در جلسات خود از احادیث ما استفاده می‌نمایید؟ بعد ادامه می‌دهند: «إني أحبُّ تلك المجالس أحيو امرنا، رحم الله من أحيى امرنا/ من چنین مجالسی را دوست دارم، با برگزاری این مجالس امر ما را احیا نمایید، خداوند کسی را که امر امامت ما را احیا می‌کند مشمول رحمتش قرار می‌دهد.» در این خصوص، حسن رحیم‌پور ازغدی برخی انحراف‌ها و بدعت‌ها در منابر و مناسک شیعی را از زبان استاد شهید مطهری به نقد کشیده و می‌گوید: «زیارت و توسل و شفاعت اگر در جای خود قرار بگیرد باعث رشد است، اما اگر در فهرست هندسه معرفت دینی، زیارت و توسل و شفاعت جای خود نباشد و بیاید جای کل دین را بگیرد، این عین بدبختی و فلاکت است و اینکه عرض کردم عین عبارت امام است.»

پیامد سوم را می‌توان **عرفی‌شدن و شکل‌گیری نوعی سکولاریسم دینی** دانست. عرفی‌شدن در اینجا بدین معناست که فرهنگ عاشورا از یک امر اعتقادی، مقدس و حقیقتی والا که فرازمانی و فرامکانی است (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا)، به سطح آداب و رسوم روزمره زندگی و نوعی عادت‌واره زیستی تنزل می‌کند و در کنار دیگر آداب و رسوم و هم‌عرض آنها می‌نشیند و حتی پس از مدتی، به نوعی تفریح تبدیل می‌گردد که متأسفانه برای برخی همین گونه نیز شده است. این مقوله، از آسیب‌های کلی مربوط به آداب دینی است. در واقع، منظور از عادت آن چیزی است که بار اندیشه‌ای، برهانی و معنایی خود را به تدریج از دست داده و به هنجارهای تکراری تبدیل شده است. یکی از دلایل مهمی که فرهنگ عزاداری به طور کامل نتوانسته نقش خود را ایفا کند و آموزه‌های اصلاحی و احیاگرانه قیام عاشورا را بازتاب دهد، همین آفت است. در واقع، بار عاطفی حادثه عاشورا بسیار قوی است و از این رو، ظرفیت عادت‌پذیری آن به شدت افزایش می‌یابد. بسیاری از آسیب‌های فرهنگ عاشورا، از همین آبخور سرچشمه می‌گیرد. هنگامی که موضوعی به عادت تبدیل شد، دیگر برای به جا آورنده آن، هدف فقط انجام آن است که با به جا آوردن آن، تخلیه روانی می‌شود. در چنین صورتی، انتظار معنادار بودن این عمل و پویایی آن، انتظاری بی‌معناست؛ چرا که از هر تأمل عقلانی و حتی در حد افراط آن، هر گونه تأمل عرفانی نیز تهی است. دیگر خود این عمل اصالت خواهد داشت و نه چیز دیگر. این چنین است که از لحاظ اجتماعی، می‌تواند اثر نامطلوبی نیز داشته

باشد، یعنی نقش توجیه‌گر و تخدیرگر به خود بگیرد: گاهی توجیه‌گر کار زشت به جا آورندگان می‌شود و گاه دغدغه‌های وجدانی آنها را کاهش می‌دهد و نفس ملامت‌گیشان را به خاموشی وا می‌دارد.

نتیجه‌گیری

یکی از عوامل بنیادین وقوع تحریف و بدعت‌های متعدد در ساحت فرهنگ عاشورا و عزاداری سید الشهداء علیه السلام، عدم تبیین و تشریح آموزه‌های ناب عاشورایی و اهداف و فلسفه نهضت عاشورا در میان مردم است. این نقص متوجه نخبگان و دانشورانی است که در عین حال که مرجع توده‌های مردم به شمار می‌آیند، به طور عمیق و همه‌جانبه در حقیقت واقعه عظیم عاشورا اندیشه نکرده‌اند و به درستی به تشریح و تبلیغ آن نپرداخته‌اند و یا میدان را به غیر اهل واگذاشته‌اند. به همین سبب است که فلسفه‌سازی‌ها و فلسفه‌بافی‌های انحرافی در میان مردم و حتی در میان خواص رواج یافته و در ادبیات شعری و غیر شعری نیز ظهور و بروز دارد. بر این اساس، نقش و وظیفه اندیشمندان، آگاهان، بزرگان و نخبگان جامعه، به ویژه نخبگان دینی آن است که فراتر از درک عامه مردم، واقعیت‌های سطحی و زیرین جامعه را بشناسند، عوامل رشد و انحطاط را دریابند و به موقع و با روش مناسب، از خود واکنش نشان دهند. اگر همین نخبگان، به هر جهت از انجام وظیفه خود بازمانند، کوتاهی کنند و یا دچار اشتباه شوند، سیر انحراف و انحطاط شتاب بیشتری می‌گیرد. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرمایند: «عده‌ای وقتی این حرف را بشنوند، مطمئناً از روی دلسوزی خواهند گفت «خوب بود فلانی این حرف را امروز نمی‌زد.» نه؛ من بایستی این حرف را می‌زدم. من باید این حرف را بزنم. بنده مسئولیتم بیشتر از دیگران است. البته آقایان هم باید این حرف را بزنند. شما آقایان هم باید بگویید. امام بزرگوار، خط‌شکنی بود که هر جا انحرافی در نکته‌ای مشاهده می‌کرد، با کمال قدرت و بدون هیچ ملاحظه‌ای، بیان می‌فرمود. اگر این بدعت‌ها و خلاف‌ها در زمان آن بزرگوار می‌بود یا به این رواج می‌رسید، بلاشک می‌گفت. البته عده‌ای هم که به این مسائل دل بسته‌اند، متاذی خواهند شد که چرا فلانی به موضوع مورد علاقه ما این‌طور بی‌محبتی کرد و با این لحن از آن یاد نمود. آنها هم البته، اغلب، مردمان مؤمن و صادق و بی‌غرضی هستند؛ اما اشتباه می‌کنند. وظیفه بزرگی که آقایان روحانیون و علما، در هر بخش و هر جا که

هستید، باید بر عهده داشته باشید، همان‌هاست که عرض شد. مجلس عزای حسین علیه الصلاه و السلام، مجلسی است که باید منشأ معرفت باشد.»

عامل دیگر در این حوزه که ارتباط محکمی با دانش عمومی پیدا می‌کند، بینش عمومی است که با سطح کیفی دانش و اطلاعات جامعه ارتباط دارد. هرچه سطح بینش و فرهنگ عمومی - که یکی از ارکان آن دانش است - بالا باشد، روحیه پرسش‌گری، نقادی و نقدپذیری و نیز درک و تحلیل موضوعات هم بالاتر خواهد بود که نتیجه آن از بین رفتن امنیت روانی برای طرح‌کنندگان مطلب سست و بی‌پایه و اعتلای جایگاه عالمان و واعظان آگاه و مصلح است. در عین حال، باید دانست که نهضت حسینی، پس از قرن‌ها، همچنان زاینده و نجات‌بخش است و می‌تواند در هر عصری و نسلی، از حقیقت و درستی و راستی غبارروبی کرده و چونان چراغ هدایت و کشتی نجات در دریای متلاطم تهدیدها و فتنه‌ها، نه تنها برای شیعیان، بلکه برای تمامی بشریت باشد که ان‌الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه.